

در این شماره

- مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تهران
- گسترش دادگاه ویژه روحانیت
- بحران آموزش و پرورش در رژیم ولایت فقیه
- واژه نامه سیاسی - اجتماعی
- بحران سیاسی در ترکیه
- گزارشی از سومین کنگره حزب مردم فلسطین

درص ۲

درص ۲

درص ۴

درص ۵

درص ۷

درص ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

در صفحه ۳

نامه مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۴۶، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۱۷ آذرماه ۱۳۷۷

سویگند و دیگر

به ایمان های خارا این که در یلدای ستم از میدن سپیده نوید نمی شود
به آنان که «شک» و «وسوسه» آنها را به سوی منجلا ب نمی راند
به مادران بی شمار که در برابر گور شهیدان خود ایستاده اند
و آن گل ها که بر این گورها پژمردند
به آن خشم مقدس که سرمستی زور و پستی، در جان های شریف بر می انگیزد
به قهرمانان بنام و گمنام
به آنانکه هستی خود را چون گوگردی به خاطر کیمیای حقیقت فرو سوختند
به شب های بی خواب پاکانی که سینه شان از ضربت دغلان زخم دار است
به روگردانندگان از «جاده طلا» و رو آورندگان به «جاده صلیب»
به آنها که «نعمت» چاکری، خیانت و حيله گری را دیدند،
ولی کماکان با «نکبت» اصولیت و آزادیگی ساختند
به آنان که به همراه مردم نیامدند تا از آنها برای خود نردبانی بسازند
به آنان که ایمان را در نبرد با شکنجه پیروز کردند
به آنان که با «حقیقت» تنها ماندند، ولی به لشکر مغرور «دروغ» نیوستند
به آن موهای مشکین که در جاده پایداری سیمگون شد
به آنان که علی رغم پیمان شکنان براه خود رفتند، زیرا با شرف و خلق خود پیمان داشتند
به لخته های خون دلی که چون گل های سرخ لبخند بر چهره ها روئید
به همه مسافران تا آخر خط و به پاکبازی بی دریغ و توقع آنها
به آنان که در لحظه های قطعی از کوره آزمایش تابناک برآمدند
به سمندر انقلاب که از هیچ آتشی خاکستر نمی شود
به شکست خوردگان دیروز که پیروزمندان فردایند
که تا واپسین دم
به سوگند نخستین خود وفادار خواهیم ماند.

احسان طبری
مهرماه ۱۳۵۲

لایحه بودجه سال ۱۳۷۸، ادامه همان سیاست های ورشکسته گذشته

روز یکشنبه، ۸ آذرماه، دولت سید محمد خاتمی، لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. بررسی مهمترین خطوط بودجه ارائه شده به مجلس نشانگر ادامه همان سیاست های مخرب و نادرستی است که در سال های اخیر از سوی دولت رفسنجانی و سپس دولت خاتمی دنبال شده و عواقب سنگینی برای مردم میهن ما داشته و خواهد داشت. سید محمد خاتمی در جریان ارائه لایحه بودجه ۲۷۴ هزار و ۹۳۵ میلیارد ریالی دولت به مجلس مهم ترین خطوط بودجه را «اصلاح ساختار مالی بخش عمومی، استقرار نظام تأمین اجتماعی و هدفمند کردن یارانه ها، افزایش پس انداز ملی و سرمایه گذاری خصوصی، و توسعه صادرات غیر نفتی» اعلام کرد. همچنین دید دولت این است که «کلیه فعالیت های اقتصادی به غیر از مواردی که در قانون اساسی ذکر شده باشد به بخش خصوصی واگذار شود.»
دولت در شرایطی لایحه بودجه سال ۷۸ را به مجلس تقدیم می کند که به سبب اشتباهات فاحش در ارزیابی سیاست های خود در سال گذشته، با کسری سنگین درآمدها (نزدیک به بیست هزار میلیارد ریال) روبه رو است، و این کسری افزون بر بیست و دو میلیارد دلار بدهی های خارجی است که جمهوری اسلامی متعهد به پرداخت آن است. حزب توده ایران، به هنگام ارائه نخستین بودجه دولت خاتمی به مجلس، در نهم آذرماه ۱۳۷۶، پس از ارزیابی دقیق، لایحه بودجه را مغایر مصالح ملی میهن ما ارزیابی کرد، و ارقام پیش بینی شده در بودجه را غیر واقعی دانست. حزب ما در جو هیاهوی تبلیغاتی دولت جمهوری اسلامی، و اظهار نظرهای برخی از کارشناسان اقتصادی دولت مبنی بر «معجزات اقتصادی» که قرار بود لایحه بودجه سال ۷۷ در وضعیت بحرانی کشور ایجاد کند، با طرح این نظر که با توجه به بحران جهانی بازار نفت و وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمد نفت، روند بحران اقتصادی روبه وخامت بیشتر است، با صراحت اعلام کرد: «نکته دیگری که در مورد بودجه باید توجه کرد ادامه روند وابستگی بودجه به درآمد نفت است. اگرچه در لایحه بودجه پیش بینی شده است که درآمدهای بودجه ۲۶/۹ درصد از درآمدهای مالیاتی، ۳۶/۴ درصد درآمدهای مربوط به نفت و گاز، و ۳۶/۷

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اخبار و گزارش های کوتاه

افزایش قیمت بنزین

بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۱ آذرماه، وزیر نفت اعلام کرد که طرح جدید توزیع بنزین از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است و از ۱۵ فروردین ماه ۱۳۷۸ به اجراء در خواهد آمد. به گفته زنگنه: «به دلیل مصرف زیاد بنزین در کشور و به حداقل رساندن واردات این فرآورده، راهی جز عرضه محدود در کشور وجود ندارد.» وی گفت: «تولید بنزین در کشور در سال آینده به ۳۲ میلیون لیتر در روز خواهد رسید ولی با این وجود برای تأمین نیازهای داخلی، روزانه به ۵ تا ۶ میلیون لیتر واردات این فرآورده از خارج نیاز است که این میزان واردات ۳۰۰ میلیون دلار هزینه برای دولت خواهد داشت.» به گفته زنگنه «در بررسی های صورت گرفته عرضه شش تا شش و نیم میلیارد لیتر بنزین با قیمت حمایت شده، یعنی ۲۰ تومان و مابقی با قیمت ۷۵ تومان مد نظر است... دولت برای عرضه این مقدار بنزین با قیمت حمایت شده باید بین ۳۵۰ تا ۳۶۰ میلیارد تومان یارانه پرداخت کند.»

دادگاه ویژه روحانیت گسترش می یابد

رازینی، رئیس دادگاه ویژه روحانیت، از چهار ده نفر روحانی برای شرکت در هیات منصفه مطبوعات در این دادگاه دعوت بعمل آورده است. اکثریت افراد دعوت شده از وابستگان جناح رسالت - حجتیه اند. در محافل درون و پیرامون حاکمیت گفته شده است که، تشکیل هیات منصفه مطبوعات در دادگاه ویژه روحانیت، به منظور محاکمه روزنامه سلام و دست اندرکاران آن است. گسترش دادگاه ویژه روحانیت، از جمله فشارهای باند حجتیه در ارتباط با مساله انتخابات شوراها است.

بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی به بخش خصوصی واگذار می شوند

مدیر کل سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده است که به سبب شرایط نامطلوب اقتصادی و هزینه های سنگین این سازمان، مجموعاً هفت بیمارستان متعلق به تأمین اجتماعی در سطح کشور به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. وی تأکید کرد که هزینه های سازمان با درآمدهای آن تناسب ندارد. بیمارستان هایی که قرار است به بخش خصوصی واگذار شوند در شهرهای کاشان، بجنورد، تربت حیدریه، زرنند، ملایر و سقز واقع اند. واگذاری درمان و بهداشت به بخش خصوصی، بخشی از سیاست ایجاد امنیت برای سرمایه داران و جلب اطمینان بخش خصوصی است.

بنیاد مستضعفان، اختاپوس مالی رژیم ولایت فقیه

روز سه شنبه، ۳ آذرماه، مجلس شورای اسلامی در یک جلسه غیر علنی، وضعیت بنیاد مستضعفان را مورد بررسی قرار داد. نوبخت عضو هیات رئیسه مجلس، درباره این نشست غیر علنی تأکید کرد که در آن به وضعیت اقتصادی و امور جانبازان رسیدگی شده است. رفیق دوست، رئیس این اختاپوس مالی در گزارشی یادآوری کرد که مجموعه فعالیت های بنیاد صرف «محرومیت زدایی» می گردد. به گفته وی در خلال سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ فعالیت بنیاد از ۲۶ میلیارد ریال زیان به بیش از ۶۰۰ میلیارد ریال سود دهی رسیده است. بنیاد مستضعفان منبع فساد مالی و چپاول ثروت ملی در کشور است، و افرادی مانند ولی فقیه و رفسنجانی در آن نفوذ دارند.

معافیت های مالیاتی جدید برای سرمایه داران

بحران اقتصادی و رکود شدید در صنایع، امکانات بسیاری را برای سرمایه داران مهیا ساخته است. به گفته وزیر صنایع، در حال حاضر ۱۰ هزار و ۱۹۵ طرح صنعتی با بیش از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی در حال اجراست. برای تکمیل کل طرح های نیمه تمام، بیش از ۲ هزار و ۱۱۶ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. فقط برای تکمیل حدود ۵ هزار طرح نیمه تمام با ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی به یک هزار و ۴۵ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. در این ارتباط دولت خاتمی مصوبه ئی را در هیات دولت به تصویب رسانده است که مطابق آن، به مجریان طرح های ناتمام معافیت های مالیاتی هنگفت اعطا خواهد شد. معافیت های مالیاتی از ۴ سال تا ۸ سال و بیشتر خواهد بود.

حکومت دیکتاتوری حاکم هستند، توجه کرد تا روشن شود چه کسانی برنامه «گردد زدن» و «زبان بریدن» مخالفان را در سر می پروراندند و سکوت در مقابل این تهدید ها چه عواقبی در بر داشت. خاتمی در پاسخ به پرسش دیگری در مورد اینکه تاکی باید با گروه های خشونت مدارا کرد، گفت: «این مدارا باید تا حاکمیت قانون تداوم یابد.» به گفته خاتمی: «برای اجرای قانون اساسی، دولت با کسی شوخی ندارد. آزادی، دین و انقلاب واژه های زیبایی هستند اما بسیاری از افراد پشت این واژه ها جبهه می گیرند.»

خاتمی در پرسش پیرامون قبول «نظارت استصوابی» شورای نگهبان تأکید کرد که: «ما به قاعده بازی تن داده ایم، لایحه رد نظارت استصوابی را نیز داده ایم. باید حریم ها و حرمت ها حفظ شود و نباید به نام آزادی، احساسات افراد و جریانات سیاسی جامعه را تحریک کرد.» خاتمی در پایان سخنان خود ضمن هشدار باش پیرامون محدود کردن آزادی ها گفت: «کسانی که فکر می کنند می توانند جلوی اندیشه افراد را بگیرند، اشتباه می کنند. اگر پرسش در ذهن کسی پیدا شد، تا پاسخ نگیرد آرام نمی شود... اگر اندیشه، زیر زمینی شود به ضد اندیشه تبدیل می شود و به صورت انفجارهای اجتماعی در جامعه بروز می کند.»

عوام فریبی ضد آمریکایی

بهزاد نبوی، از اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در سخنانی، در دانشگاه خلیج فارس، در بوشهر گفت: «کسانی که امروز با آمدن چند جهانگرد آمریکایی، «الم شنگه» راه انداخته اند و دولت آقای خاتمی را زیر سؤال برده اند، به اندازه یک سر سوزن به مبارزه با آمریکا اعتقاد ندارند.»

به گفته نبوی «این افراد خودشان با نوشتن نامه برای رهبری، افسوس خوردند که چرا ایران وارد یک اتحادیه با آمریکا نمی شود و کشور ترکیه جای خالی ما را در سیاست خارجی آمریکا گرفته است... این افراد کسانی هستند که به لندن رفتند و پیشهاد همکاری مشترک انگلیس، ایران و آمریکا در منطقه را طرح کردند.»



مراسم بزرگ داشت ۱۶ آذر در تهران

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۱۶ آذرماه، هزاران دانشجو، از دانشگاه های مختلف کشور، در ورزشگاه دانشگاه صنعتی شریف گردآمدند تا خاطره تابناک شهدای جنبش دانشجویی در راه آزادی را گرامی دارند. در این مراسم سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، به پرسش دانشجویان در زمینه مسایل مهم کشور پاسخ گفت. مراسم با سخن خاتمی در مورد اهمیت دانشگاه ها به عنوان سنگری در مبارزه برای آزادی آغاز شد. به گفته خاتمی: «دانشگاه مظهر نوجویی، تحول خواهی و آزادی خواهی است و ۱۶ آذر رمز و نماد استقلال خواهی دانشگاه های ماست.»

خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به اهمیت انتخابات شوراها، تأکید کرد: «شوراها از عالی ترین مظاهر مشارکت مردم هستند و دانشجویان باید پرشور در انتخابات شوراها شرکت کنند.»

خاتمی در ادامه همین مراسم در پاسخ به پرسش دانشجویان، به ترور داریوش و پروانه فروهر به دست عناصر «خودی» به طور تلویحی اذعان کرد و گفت: «از قتل ناگوار فروهر تنها دشمنان انقلاب سود برده اند. ما برای ریشه یابی و شناسایی عاملان قتل فروهر و همسرش تا آخر جلو خواهیم رفت و با هیچ فردی رو در روبرویی نداریم. دست هایی در خارج هستند که می خواهند ایران اسلامی را نا امن جلوه دهند و حتی ممکن است کسانی نیز در داخل از روی حماقت مرتکب این جنایت شده باشند. فضای جامعه ما فضای سالمی نیست، مخالف به خود اجازه می دهد که هر انگی را به طرف مقابل خود بزند. وقتی ما یک نفر را قبول نداشته باشیم از او ضد انقلاب، سلطنت طلب، فاسد، غرب گرا، ضد امنیت ملی و مرتد می سازیم حال اگر یک نفر همی هم گفت که، این ضد انقلاب را باید کشت، خوب می کشند.» [!]

آقای خاتمی توضیحی نداد که این آدم های «نفهم» چه نقش و مسئولیتی در «نظام جمهوری اسلامی» دارند که می توانند فرمان قتل دیگران را صادر کنند؟

البته برای پیدا کردن این آدم ها تنها کافی است به سخنان ماه های اخیر فرمانده هان سپاه پاسداران رژیم «ولایت فقیه»، که ابزار سرکوب

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

برای ساعت های طولانی، کشیدن ناخن های دست و پا، شوک الکتریکی، تجاوز به نوجوانان زندانی و غیره، که رژیم بر آنها نام «تعزیرات اسلامی» را گذاشته است، برآستی «نمونه» متمایزی از وحشیگری است که مشابه آن را، در جهان کمتر می توان یافت.

بیش از بیست میلیون ایرانی، در دوم خردادماه ۱۳۷۶، با نفی و طرد چنین برداشت های ضد مردمی و واپس گرایانه ئی از «فرهنگ و سنن» ملی میهن ما، یکپارچه بر ضد نامزد «ولی فقیه» در انتخابات ریاست جمهوری رأی دادند و خواستار استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی شدند. یک سال و نیم پس از این واقعه که حزب توده ایران، بدرستی آن را یک همه پرسی عمومی در باره رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد، هنوز هیچ یک از خواست های مردم تحقق پیدا نکرده است. دولت برآمده از دوم خرداد، و رئیس جمهوری جدید، با وجود قول های انتخاباتی، از آنجائی که خود را در جنبه قدرت «قانونی» «ولی فقیه» و ساختار ارتجاعی و واپس گرایانه قدرت سیاسی حاکم در کشور می بیند، نتوانسته است هیچ گام اساسی در راه تحقق آزادی در ایران بردارد. در حالی که در همین هفته های اخیر رئیس جمهوری از پایبندی به قانون سخن می گوید، سران سپاه پاسداران، که نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم را تشکیل می دهند، از خونریزی، از «گردن زدن» و «زبان بریدن» دگراندیشان سخن می گویند. داریوش و پروانه فروهر، با ضربات متعدد کارد در خانه خود، که زیر نظارت دائمی مأموران امنیتی رژیم بوده، به قتل می رسند، و چماق داران «حزب الله» در هر کجای کشور که می خواهند به هر گروه، دسته و یا تجمعی، هر چند قانونی و با مجوز یورش می برند. رئیس قوه قضائیه که می باید پاسدار قانون و آزادی باشد، از محدود کردن هر چه بیشتر آزادی دفاع می کند، و مأموران او در پی شکار دگراندیشان، نویسندگان و روزنامه نگاران مستقل اند. حتی «مرجع تقلید»ی مانند آیت الله منتظری، نیز از مواهب «نظام نمونه جهان» در امان نیست و منزل او تنها به جرم مخالفت با «ولی فقیه»، در محاصره نظامی گرمگان قرار دارد و خانواده اش مورد پیگرد، آزار و اذیت مأموران رژیم اند.

حزب توده ایران، دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبارزه در راه تحقق آن را از جمله وظایف مهم و عاجل نیروهای ملی و مترقی در میهن ما می داند. به گمان ما حقوق بشر، مقوله ئی است فراگیر که از تحقق آزادی های فردی به مراتب فراتر رفته، و با تحقق عدالت اجتماعی و حق بهره وری برابر انسان ها از نعمات مادی در جامعه، گره خورده است. در برنامه نوین حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب، در این زمینه از جمله آمده است: «... حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی است، و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند. حزب توده ایران خواهان اجرای بدون قید و شرط اعلامیه جهانی حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن از طریق ایجاد نهاد مستقلی با شرکت نمایندگان سازمان ها، احزاب، و گروه های سیاسی و صنفی کشور است.» تحقق چنین خواست هایی، در تضاد آشکار با ماهیت و دیدگاه ارتجاعی و استبدادی رژیم «ولایت فقیه» است.

تجربه حداقل ده سال گذشته نشان داده است که، نمی توان امیدوار بود سران رژیم در روندی خود به خودی به قبول و به رسمیت شناختن حقوق واقعی شهروندان تن در دهند. تحول بنیادین به سمت تحقق آزادی ها و حقوق دموکراتیک، ارتباطی تنگاتنگ با مبارزات مردم و سطح سازمان یافتگی این مبارزه دارد. جنبش مستقل مردمی می تواند سد استبداد در میهن ما را درهم بکوبد و راه را برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی بگشاید. در این مبارزه، اتحاد آهنگین نیروهای خلقی و آزادی خواه، با هر دیدگاه، تفکر و اندیشه ئی، ضرورتی است که حزب ما بر آن پای فشرده است و مدافع سرسخت تحقق آن است. تحولات پرشتاب و مهم میهن ما، بیش از پیش بر ضرورت چنین اتحاد و سازماندهی مشترکی تأکید دارند. آینده، بی شک به خلق و نیروهای مردمی تعلق دارد، ولی با گام های برنامه ریزی شده و مشخص، و به دنبال گام های پیشین به سوی این آینده باید شتافت.

با فرا رسیدن نوزدهم آذرماه ۱۳۷۷، (دهم دسامبر ۱۹۹۸)، پنجاه سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می گذرد. پنجاه سال پیش، در دهم دسامبر ۱۹۴۸، در پی پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، که ده ها میلیون انسان را به کام مرگ کشید و خرابی های بی ماندنی را در شمار کثیری از کشورهای جهان، از اروپا تا خاور دور، اقیانوسیه و آفریقا برجای گذاشت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام اینکه: «از آنجائی که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را تشکیل می دهد...»، سند اعلامیه جهانی حقوق بشر را همچون آرمانی مشترک برای پاسداری و توسعه حقوق انسانی جامعه بشری منتشر کرد. در این سند مهم، اظهار امیدواری شده بود که: «جمع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و تلاش کنند، به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها هستند، تأمین گردد.»

از جمله مهم ترین مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده سوم آن است که تصریح می کند: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» در ماده پنجم اعلامیه تأکید شده است که: «احدی را نمی توان زیر شکنجه، یا مجازات و رفتاری قرار داد که ظالمانه و خلاف انسانیت و شئون بشری باشد.» و در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ قید شده است که: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند باشد. این حق متضمن آزادی اظهار عقیده و بیان است... هر کس حق دارد آرزوهای مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد کار کند، و کار خود را آزادانه انتخاب کند.»

تلاش برای به رسمیت شناختن حقوق انسانی شهروندان، از جمله حق آزادی عقیده، اندیشه، بیان، تشکل، و حزب یکی از مهم ترین عرصه های مبارزه مردم میهن ما در پنج دهه گذشته بوده است. از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و سرکوب خونین جنبش ملی، با هدف سرکوب همین حقوق انسانی، که حکومتی پلیسی و فاسد را به مدت بیش از بیست و پنج سال بر میهن ما تحمیل کرد، تا به امروز، یعنی بیست سال پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، مردم ایران، تنها در دوره ئی کوتاه توانسته اند از این حقوق بهره مند شوند. انقلاب بهمن با شعارهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، خواهان برپایی حکومتی ملی و دموکراتیک بود که حقوق انسانی شهروندان را به رسمیت بشناسد. در آغاز انقلاب، به همت و فشار نیروی عظیم مردمی که در صحنه حاضر بودند، شماری از این خواست ها، بر خلاف میل باطنی، روحانیون حاکم، در قانون اساسی جدید گنجانده شد که تا به امروز به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته شده است. سرکوب آزادی ها و حقوق دموکراتیک، پیگرد، دستگیری، شکنجه، اعدام و یا ترور دگراندیشان، در سال های اخیر، رژیم «ولایت فقیه» را در شمار یکی از سیاه کارترین رژیم های استبدادی جهان، از نظر زیر پا گذاردن حقوق بشر، قرار داده است. در مقابل موج عظیم محکومیت جهانی آن، از جمله قطعنامه های پی در پی مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، رژیم «ولایت فقیه»، که سران آن رهبری «نظام نمونه جهان» را نیز مدعی اند، همواره اعلام کرده است که چنین قطعنامه هایی بدون توجه به «سنن و فرهنگ اسلامی» ایران به تصویب رسیده و لذا از نظر جمهوری اسلامی بی اعتبار است. در گرد و غبار فعالیت تبلیغاتی رژیم به قصد عوام قریبی، و ادعاهای کاذب سران رژیم مبنی بر پاسداری از «فرهنگ و سنن»، روشن نیست که کشتار هزاران زندانی سیاسی، به وحشیانه ترین شکل ممکن، در مدتی کوتاه، و یا ترور دگراندیشان، همچون دکتر سامی، رهبران حزب دموکرات کردستان، داریوش و پروانه فروهر به طرز فیجیع، با کدام موازین اخلاقی و یا «سنن و فرهنگ اسلامی» همخوان است.

در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی، هرگونه شکنجه و آزار زندانیان را منع کرده است، صدها سند در مورد وحشیانه ترین شکنجه های اعمال شده از سوی دژخیمان رژیم «ولایت فقیه»، در معرض قضاوت کمیسیون ها و نهادهای حقوق بشر جهانی قرار گرفته است. رفتار ضد انسانی شکنجه گران، از جمله صدها ضربه شلاق با کابل های سیمی، سوزاندن بدن، آویزان کردن زندانیان

بحران آموزش و پرورش در رژیم ولایت فقیه

شرایط کنونی، نبود یک سیستم منضبط و مشخص برای آموزش، تعدد مراکز آموزشی و تنوع شگفت آور و زیان بار آنها، و نیز فاصله طبقاتی شدید در امر آموزش است.

از مجموع ۱۸ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۱۳۰ نفر دانش آموز در سال تحصیلی ۷۵ - ۷۶، که تقریباً یک سوم جمعیت کشور را در برمی گیرد، دانش آموزان در دوازده نوع! مدرسه تحصیل می کرده اند: ۷۰۴ هزار نفر در مدارس غیر انتفاعی، ۶۴۰ هزار نفر در مدارس نمونه مردمی، ۱۴۸ هزار نفر در مراکز شبانه روزی، ۶۲ هزار نفر در مدارس نمونه دولتی، ۹۸ هزار نفر در مدارس ایثارگران؟! ۱۴۷ هزار نفر در مدارس شاهد، ۱۱۰ هزار نفر در مدارس پرورش استعدادها درخشان؟! ۲۸ هزار نفر در مدارس ایرانی خارج از کشور، ۷۵ هزار نفر در مدارس استثنایی، ۱۰۷ هزار نفر مدارس پیش دانشگاهی، ۱۱۰ هزار نفر مدارس عشایری و ۱۶ میلیون نفر بقیه در مدارس دولتی. وضعیت آموزش و امکانات اکثریت ۱۶ میلیونی که در مدارس معمولی درس می خوانند، بسیار پایین و در سطح نازل است. زیر فشار افکار عمومی، و با توجه به فاصله شدید طبقاتی در امور تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش مدارس نمونه مردمی! را منحل و آن را در مدارس دولتی ادغام کرد. اما کارگزاران رژیم و مسئولین وزارت آموزش و پرورش، برخلاف اصل سی ام قانون اساسی که آموزش را رایگان اعلام می دارد، با انواع ترفندها و دروغ پردازی ها با دریافت پول به عنوان شهریه از خانواده های دانش آموزان، به طور رسمی و «قانونی» به اخاذی مشغول اند.

به عنوان نمونه، مدیر کل آموزش و پرورش تهران، در مصاحبه ای با روزنامه کیهان، به تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۷۷، اعلام می دارد: «... میزان شهریه کلاس های فوق برنامه در مقطع ابتدایی ۹ هزار تومان، دوره راهنمایی ۲۲ هزار تومان و متوسط ۲۵ هزار تومان است، شرکت دانش آموزان در کلاس های فوق برنامه اجباری نیست!!!» در ثبت نام به استثنای حق بیمه و پول کتاب هیچگونه وجهی از اولیاء دانش آموزان گرفته نمی شود....»

● سیستم آموزشی مدرن، کار آمد و رایگان!!!

علاوه بر آنچه اشاره شد، افت کیفیت تحصیلی دانش آموزان و نیز کیفیت نامناسب و غیر علمی کتب درسی، از دیگر مشکلات آموزش در شرایط کنونی است. چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس اعتراف کرد: «روش آموزش همچون صد سال پیش است، تنها لوازم آموزگار گچ و تخته سیاه است، از آزمایشگاه برای فیزیک، شیمی، زیست شناسی و غیره خبری نیست. احداث هر آزمایشگاه حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان هزینه لازم دارد....» در گزارش روزنامه کیهان، به تاریخ ۱۵ و ۱۴ تیرماه امسال، در ارتباط با کتب درسی و شیوه آموزش، از جمله به صراحت اعلام می شود که کتاب های درسی نامفهوم، پر از غلط و پر حجم اند. یک دبیر با سابقه و صاحب نظر، در مورد کتاب های درسی می گوید: «... به نظر من کتاب های درسی به هیچ وجه کارایی و مطلوبیت لازم را ندارند و اولین دلیل این است که به فرم، شکل، محتوا و نحوه کتاب های درسی کم توجهی می شود....» و این گفته، همه واقعبین نیست. یک کارشناس ارشد ادبیات، در باره کتب آموزشی به صراحت تاکید می کند: «... کتاب سال اول دبیرستان... در برخی مسایل از قبیل رسم الخط، دایره واژگان و مسئله ویراستاری با مشکلات بزرگ روبروست که جدی و قابل بحث است....»

تاکید باید کرد که آموزش و پرورش در رژیم ولایت فقیه، با آموزش مدرن جهان معاصر، فاصله جدی دارد. مشکل فقط در کمبود اعتبارات و تنگناهای مالی نیست، بلکه علاوه بر این ها، سیطره اندیشه های کهنه، پوسیده و ارتجاعی که با دانش معاصر و جهان کنونی سرسختیز دارد، از علل اصلی عقب ماندگی سیستم آموزش و پرورش به شمار می آید. به تایید کارشناسان، کتاب های درسی موجود در مقاطع تحصیلی سه گانه، با استانداردهای جهان و علوم نوین انطباق ندارد. مجموعاً ۱۷۱ عنوان کتاب درسی در ۱۷۰ میلیون جلد در اختیار دانش آموزان قرار گرفته است. در اکثر این کتاب ها، علاوه بر فرم، ویراستاری و اغلاط چاپی و غیره،

بحران آموزش و پرورش، در میهن ما، هر روز ابعاد گسترده تر و نگران کننده تری به خود می گیرد. نبود سیاست های مشخص مترقی و مردمی در راستای پایه ریزی نظام آموزشی ثنی پیش رفته و کارا، کمبود امکانات، از کلاس های درسی گرفته تا کادر آموزشی کافی و مجهز، و فراتر از این همه، حاکمیت اندیشه های واپس گرایانه و ضد علمی سران رژیم، تنها بخشی از مشکلات و معضلات کنونی است که به بررسی دقیق و موشکافانه، به قصد ریشه یابی علل بحران و راه حل های ممکن در اوضاع کنونی نیازمند است.

● مروری کلی و گذرا بر مشکلات آموزش و پرورش

بنا به آمار رسمی منتشره از سوی مرکز آمار جمهوری اسلامی، در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ خورشیدی، ایران دارای ۱۸ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۱۳۰ نفر دانش آموز در دوره های تحصیلی سه گانه پیش از دانشگاه بوده است. از این تعداد، ۹ میلیون و ۲۳۸ هزار و ۳۹۳ دانش آموز در دوره ابتدایی، ۵ میلیون و ۱۸۸ هزار و ۸۱۲ دانش آموز در دوره راهنمایی و ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار و ۴۷۰ دانش آموز در دوره دبیرستان به تحصیل اشتغال داشته اند. با توجه به این آمار رسمی، باید دید آیا برای این تعداد دانش آموز فضای آموزشی مناسب و کلاس متناسب وجود دارد؟ گرچه آمار رسمی و معتبر در ارتباط با فضای آموزشی، تعداد دبستان ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان ها بنا به «مصلحت نظام» از سوی مراکز ذیصلاح و مرکز آمار انتشار نیافته، اما همان آمار غیر دقیق، حکایت از وضعیتی فوق العاده ناگوار دارد. باید تاکید کرد که کمبود فضای آموزشی و کلاس درس برای دانش آموزان، و تراکم فعلی دانش آموزان در کلاس ها، فاجعه ثنی به تمام معنی در عرصه خطیر آموزش است.

بر پایه گزارش منتشره در روزنامه کیهان به تاریخ چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۷۷، ۴۲ درصد از کل دانش آموزان ابتدایی در استان های تهران، خراسان، فارس و خوزستان تحصیل می کنند، و تنها ۶/۸ درصد آنها در استان های ایلام، بوشهر، چهارمحال بختیاری، سمنان و کهگیلویه و بویراحمد تحت آموزش قرار دارند. طبق آمار همین گزارش، میانگین تراکم دانش آموز در کلاس های دوره ابتدایی، در کم جمعیت ترین استان های کشور ۲۹ نفر، و در دوره راهنمایی ۳۲ نفر است. آخرین برآورد کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی، تراکم دانش آموز در کلاس های ابتدایی در مناطق شهری ۵۳/۸۶، و در مناطق روستایی ۲۷/۷۸ است. در مقطع راهنمایی، تراکم دانش آموزان در کلاس ها در مناطق شهری ۵۳/۱۶ و در مناطق روستایی ۸۰/۴۶ و برای دوره دبیرستان در مناطق شهری ۴۹/۵۸ و در مناطق روستایی ۴۶/۷۵ است. (کیهان، ۲۸ خردادماه ۱۳۷۷)

در این زمینه، سخنان مخبر کمیسیون آموزش و پرورش بسیار افشاگرانه است. علی مروی در مصاحبه ثنی اعلام کرده است: «... وضعیت خیلی بد است، بحث فضای آموزشی هنوز به قوت خود باقی ست، حداقل ۲۰۰ هزار کلاس فعلاً نیاز است....»

وخامت وضعیت آموزشی کودکان و نوجوانان کشور، تنها به کمبود فضای آموزشی محدود و خلاصه نمی شود. آموزش و پرورش طی دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، به دلیل اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، لطمات جدی دیده است. بنا به ماهیت سیاست تعدیل اقتصادی، کم ترین رقم را آموزش و پرورش در بودجه دارا بوده و این سیر نزولی نزدیک به یک دهه ادامه یافته و پیامدهای سوء بسیار ژرف و مخرب برجای گذارده است. کاهش چشمگیر اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش، بخشی از سیاست دولت رفسنجانی بود که هم اینک نیز ادامه دارد. کاهش اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش، به نسبت اعتبارات دولت، به شکلی ست که از رقم ۱۳/۹۷ درصد در سال ۱۳۷۱، به ۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۷ تنزل یافته است! اثرات دراز مدت و کوتاه مدت این کاهش وحشتناک اعتبارات، مشخص است و ضرورتی به توضیح مفصل آن نیست. فقط به ذکر همین بسنده می کنیم که وزارت آموزش و پرورش رسماً اعلام کرده است که بر اثر کاهش اعتبارات عمرانی این وزارتخانه، در مدتی کوتاه، در مجموع ۲۹۳ هزار و ۷۶۰ دانش آموز در دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان از دست یابی به امکانات آموزشی و مدرسه برای تحصیل محروم مانده اند.

از نارسایی ها و، به بیان روشن تر، معضلات بنیادین آموزش و پرورش در

ادامه بحران آموزش و پرورش ...

اندیشه های بغایت پوسیده، و در واقع خرافات، در لابه لای مسایل علمی، به کودکان و نوجوانان حفته می شود. بسیاری از نوشته های کتاب های درسی، به ویژه در قلمرو علوم اجتماعی و تاریخ، چنان مضحک و دروغین است که حتی بسیاری از روشنفکران مذهبی و واقعا معتقد، به دیده خرافه و جهل به آنها می نگرند. در کنار مشکلات فراوان مالی، و سیستم واپس مانده آموزش، ترویج خرافه و اندیشه های واپس گرایانه به طوری جدی آینده آموزشی نسل های فردا را تهدید می کند.

● موقعیت و زندگی و دستمزد آموزگاران و دبیران

هنگامی که از آموزش و پرورش و هدف های عالی و انسانی آن سخن به میان می آید، نمی توان نقش انکار ناپذیر هزاران انسان شریفی که در شغل آموزگاری و دبیری، بیشترین زحمات را بردوش می کشند، نادیده گرفت. از دیرباز فرهنگیان در زمره زحمتکش ترین و درعین حال محترم ترین قشرهای جامعه محسوب می شده اند. هم اکنون نیز مردم ما برای آموزگاران و دبیران، این تربیت کنندگان نسل های آینده، احترام صمیمانه و برحق را قایل اند. فرهنگیان در طول نزدیک به دو دهه حاکمیت سیاه ولایت فقیه، بیشترین خسارات و آسیب ها را، چه در زمینه حرفه و چه در زندگی و موقعیت اجتماعی خود، متحمل شده اند. در سال های نخستین پس از انقلاب، برخلاف خواست همگانی، هزاران آموزگار و دبیر به دلیل دگراندیشی از شغل خود محروم شده و مورد پاکسازی قرار گرفتند. انجمن صنفی معلمان ایران، که به ابتکار فرهنگیان پیشرو و آزاد اندیش پس از انقلاب پایه گذاری شده بود و همچون نهاد صنفی مستقلی، از حقوق آموزگاران و دبیران قاطعانه دفاع می کرد، به دستور ارتجاع منحل و فعالان آن بازداشت شدند. در جریان سرکوب های خونین سال های ۶۰ - ۶۲، صدها فرهنگي دستگیر و عده ئی از آنها نیز اعدام شدند. در کنار این برخوردهای ناروا و ارتجاعی، فرهنگیان کشور، این خادمان فداکار فرهنگ ملی، از نقطه نظر معیشتی و زندگی در بدترین وضعیت ممکن قرار گرفتند. اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، برای این قشر زحمتکش، کوشا و تحصیل کرده ثمره شوم و ناگواری به بار آورد. سطح دستمزد فرهنگیان پیوسته کاهش یافت، و شیرازه زندگی بسیاری از آنان از هم پاشید. فقر، گلوئی خانواده های فرهنگی را در چنگال درداور خود فشرد. آمار رسمی جمهوری اسلامی نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد فرهنگیان ایران زیر خط فقر به سر می برند.

معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، در یک گفتگو با روزنامه کیهان، تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، خاطر نشان می کند: «وزارت آموزش و پرورش با ۴ هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه در سال جاری مواجه است. برای رسیدن به یک شرایط عادی و معمولی برای کارکنان وزارت آموزش و پرورش به ۱۸ هزار میلیارد ریال اعتبار جاری نیاز است. خط فقر در آموزش و پرورش فعلا با میانگین درآمدی [معادل] ۵۵ هزار تومان تعریف شده، در حالیکه در بعضی آمارها خط فقر با درآمد ۸۰ هزار تومان در نظر گرفته شده. با احتساب میانگین پرداخت ۵۵ هزار تومان، ۶۷ درصد فرهنگیان زیر خط فقر قرار دارند...»

اینست موقعیت و زندگی فرهنگیان در رژیم ولایت فقیه. کوتاه سخن: آموزش و پرورش ایران به یک دگرگونی بنیادین نیازمند است. برای دست یابی و سازمان دهی سیستم آموزشی مدرن، کار آمد و پیشرفته، و نیز رایگان و اجباری، در درجه نخست علت اساسی این وضعیت، که بحران و شرایط ناهنجار آموزشی بخشی از اوضاع کلی و وخیم میهن ماست، را باید شناخت و آن را حل کرد. علت اساسی، ادامه حاکمیت رژیم پوسیده و ضد مردمی «ولایت فقیه» ست. باید ابتدا این سد اساسی را در هم شکست.

واژه نامه سیاسی - اجتماعی

در پی تصمیم هیأت تحریریه «نامه مردم»، از این پس هرچند گاهی ستون ویژه ئی به توضیح مفاهیم و مقولات مهم سیاسی - اجتماعی اختصاص خواهد یافت. حزب توده ایران در طول مبارزه پنجاه و هفت ساله خود، گنجینه ارزشمندی از کتب، مقالات، و نوشته های پر محتوی و علمی در توضیح و تشریح مفاهیم و مقولات سیاسی، اجتماعی و فلسفی به جنبش انقلابی میهن ما عرضه کرده است. کتاب پر ارزش رفیق شهید «رنیک آتین»، مقالات گوناگون مجله «دنیای»، آثار علمی دانشمندان و جنبش کارگری و کمونیستی جهان یاور ما در تهیه این ستون خواهد بود.

آزادی و دموکراسی (مردم سالاری)

دموکراسی از واژه یونانی دمو (به معنای خلق، مردم) و کراتوس (به معنای حاکمیت، قدرت) مشتق شده است. مشخصه دموکراسی، اعلام رسمی اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد است. ولی این تنها یک تعریف و فرمول صوری ست که جامعه شناسی بورژوازی بدان بسنده می کند و دموکراسی را جدا از شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه بررسی می کند و وضع واقعی و عملی موجود را نادیده می گیرد. نتیجه چنین بررسی صوری ئی، ادعای وجود دموکراسی ناب است، که ماهیت طبقاتی اجتماع، تضاد و مبارزه طبقاتی را نفی می کند. وجه مشخصه دموکراسی بورژوازی عبارت است از پارلمنتاریسم (نظام پارلمانی) با تفکیک قوای سه گانه: (قوای مقننه، اجراییه، قضائیه) از یکدیگر، با تمایل روز افزون به تحکیم و بالا بردن نقش قوای اجرائیه.

در عصر امپریالیسم، تنها نیروی مبارزه زحمتکشان می تواند حقوق و آزادی های دموکراتیک را حفظ کند و سدی باشد در برابر ارتجاع و دیکتاتوری، اختناق و فاشیسم. بورژوازی هر جا که بتواند، اصول دموکراسی را لگد مال می کند، به سوی سیاست اختناق می گراید و در بسیاری کشورها، رژیم های ترور و خفقان برپا می دارد و برای حفظ سیادت خود به میلیتاریسم (ارتش سالاری) و فاشیسم توسل می جوید.

آزادی، شکلی است از مناسبات موجود میان فعالیت انسان و قوانین عینی محیط واقعی او. انسان هیچ گاه به تنهایی به وجود نمی آید، به تنهایی زیست نمی کند و به تنهایی با محیط رو به رو نمی شود، بلکه افراد با هم، گروهی، به صورت جوامع انسانی با محیط طبیعی و اجتماعی رو به رو می شوند. از این رو، فرد در برابر دو نوع نیروی عمده، یعنی نیروی (جبر و قهر) طبیعی و نیروی (جبر و قهر) اجتماعی، قرار می گیرد. این نیروها در واقع مظهر عملکرد همان قوانین عینی طبیعت و جامعه اند که از سرشت طبیعت و اجتماع ناشی می شوند و اساس هستی آن ها را تشکیل می دهند. برخوردهای گوناگونی را که به مساله آزادی و ضرورت، به مساله جبر و اختیار، در طول تاریخ شده است، می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

۱. برخورد ابتدایی و سطحی ذهنی و غیر واقعی که «آزادی» و «ضرورت»، «جبر» و «اختیار» را همچون دو مقوله «مانع الجمع» روبه روی هم می گذارد.
۲. برخورد دقیق علمی و واقعی که «جبر و اختیار» و «ضرورت و آزادی» را در وحدت استنباط می کند. در این برخورد است که انسان از راه شناخت، قوانین عینی طبیعت و جامعه و کار برد درست این قوانین، به آزادی می تواند برسد و دایره آزادی و اختیار خود را گسترش دهد. نقش فعال اندیشه، ذهن و اراده بشر در این نوع درک آزادی است که عملا نیروی خلق عظیم خود را می تواند به کار گیرد.

اما چون انسان نه تنها، بلکه در هیأت اجتماع زندگی می کند، آزادی او با آزادی دیگران روبه رو می شود. در دوران انقلاب علمی - فنی ئی که ما در آن زندگی می کنیم، این جنبه دوم، یعنی مساله آزادی های اجتماعی، جنبه اصلی و اساسی مساله آزادی بشر را به طور کلی تشکیل

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه بودجه سال ۱۳۷۸، ادامه همان ...

درصد را سایر درآمدهای دولت تشکیل می دهد» ولی توجه دقیق تر به آمار و ارقام بودجه نشان می دهد که اقتصاد کشور ما عمدتاً همچنان یک اقتصاد تک محصولی وابسته به درآمد نفت است که با کوچک ترین نوساناتی در بازار نفت، ارقام این بودجه می تواند همگی غیر واقعی از آب درآید. ادعای اینکه در صورت کاهش قیمت نفت، کاهش درآمد با فروش بیشتر نفت جبران خواهد شد، نیز ادعای بی پایه ای بیش نیست، زیرا بر اساس ارزیابی کارشناسان نفتی، ایران هم اکنون بالاتر از سقف تعیین شده توسط اوپک نفت استخراج و در بازار به فروش می رساند و ثانیاً به دلیل وجود مازاد نفت در بازارهای جهانی چنین امری به راحتی و سادگی امکان پذیر نیست» (نامه مردم، شماره ۵۲۲، ۱۶ دی ماه ۱۳۷۶).

لایحه بودجه سال ۷۸ نیز با وجود تجربه سنگین شکست سیاست های اقتصادی دولت در سال گذشته، باز بر مبنای همان درک و برداشت، تنظیم شده است. مسأله «جذب سرمایه» و «تأمین سرمایه گذاری» در سال های اخیر در تمامی لایحه های بودجه دولت رفسنجانی و دولایحه بودجه آقای خاتمی مطرح شده است، و تاکنون با وجود تصویب و اجرای سیاست های گوناگون (از جمله قوانینی که دولت در سال گذشته برای جذب سرمایه های خارجی به تصویب رساند و اعلام کرد که شرکت های خارجی از یک تا نود و نه درصد، با تضمین دولت، می توانند سرمایه گذاری کنند و از معافیت های مالیاتی بی سابقه ای بهره جویند) هیچ نتیجه مثبتی به همراه نداشته است. مسأله ثی که اکثر کارشناسان اقتصادی کشور نیز به آن معتقد اند، این است که «سرمایه های سرگردان داخلی» که سر به هزاران میلیارد می زند و به شکل تقدینگی بخش خصوصی در دست عده ثی محدود از سرمایه داران بزرگ، وابستگان رژیم و نهادهای اختاپوس واری همچون «بنیاد مستضعفان»، «بنیاد شهید»، «کمیته امداد امام» و غیره متمرکز گردیده است، نه تنها جلب کارهای تولیدی و راه اندازی اقتصاد کشور نمی شوند، بلکه عمدتاً در راه گسترش و بسط اقتصاد دلالی عمل کرده و می کند. بر اساس آخرین برآوردها، سهم صنعت، در تولید ناخالص داخلی ایران، کمتر از ۱۷ درصد است، که این خود از ویژگی های بارز یک اقتصاد بیمار است. بیهوده نیست که با وجود شعارهای پرطمطراق ده سال گذشته در زمینه «سازندگی»، افزایش «صادرات غیر نفتی» و حرکت به سمت «خودکفایی»، امسال در آمد حاصله از صادرات غیر نفتی ایران رقمی معادل ۲ میلیارد دلار، اعلام شده است که فرسنگ ها با ادعاهای سران رژیم جمهوری اسلامی فاصله دارد. بررسی لایحه بودجه در این زمینه نیز بیانگر ادامه همان سیاست های مخرب گذشته است. سپردن امر تولید به بخش خصوصی، فرمول امتحان شده ثی است که عواقب فاجعه باری برای اقتصاد کشور داشته است. فروش کارخانه های دولتی، روندی است که از مدتی پیش آغاز شده است، و در اکثر موارد نه تنها موجب افزایش تولید و بارآوری کار نشده است، بلکه به رکود و بسته شدن این کارخانه ها انجامیده است. بر اساس گزارش روزنامه همشهری، شافعی وزیر صنایع در هفته گذشته اعلام کرد که بیش از ۲۰۰ کارخانه، به ارزش چهل میلیارد تومان، از طریق بورس اوراق بها دار به مزایده گذاشته شده و از طرف دولت به فروش رسیده است. یکی از معضلات جدی جنبش کارگری در اوضاع کنونی، مقابله با همین سیاست ضد مردمی است، که کارخانه های تولیدی را به قیمت ارزان به سرمایه داران عمده که از نزدیکان سران رژیم هستند واگذار می کند، و این سرمایه داران به حفظ و نگهداری کارخانه ها و نیروی کار آن کوچک ترین علاقه ثی ندارند.

از نکات جالب دیگر بودجه «توجه آن به عدالت اجتماعی» است که به گفته آقای خاتمی قرار است از طریق اختصاص بودجه و اعتبار به: «پارانه کالاها اساسی، کمیته امداد امام [!!]، طرح شهید رجایی، بنیاد شهید [!!]، سازمان بهزیستی و پارانه حج تمتع [!!]» برآورده شود، که ۱۸ درصد از بودجه جاری را به خود اختصاص داده است. گزارش لایحه بودجه روشن نمی کند که تقسیم اعتبار بین پارانه کالاها اساسی و نهاد های مافیایی همچون «کمیته امداد امام»، که به دست عسگر اولادی و شرکاء مشغول چپاول و غارت منابع مالی کشور ماست، به چه میزانی است، ولی به ذکر همین نکته می توان اکتفا کرد که ریختن اعتبار و بودجه دولت در کیسه افرادی همچون عسگر اولادی، نه تنها کمکی به تحقق عدالت اجتماعی نمی کند، که با چنین امری نیز در تضاد است. مادر سال های اخیر، همواره بر این نکته تاکید کرده ایم و تکرار آن در اینجا ضروری است که، عدالت اجتماعی، نه از طریق «صدقه» دولتی، بلکه از طریق سازماندهی هدفمند سیاست های اقتصادی کلان کشور با در نظر گرفتن منافع انبوه توده های محروم و زحمتکش، ممکن است. وضعیت دهشتناک اشتغال در کشور که آقای خاتمی، به مناسبت طرح لایحه بودجه، در سخنرانی خود به آن اشاره می کند، در کنار تشدید دره عظیم میان فقرا و ثروتمندان (به عنوان نمونه: بر اساس برآوردهای کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس، حداقل یک میلیون و صد و نوزده هزار کارمند دولت زیر خط فقر زندگی می کنند. همچنین، دستمزد واقعی کارگران با احتساب نرخ تورم، نسبت به سال ۱۳۵۸، پنجاه و هشت درصد کاهش یافته است. و یا بر اساس برآوردها، بیش از پنجاه درصد از معلمان زیر خط فقر زندگی می کنند. بر این ارقام لشگر عظیم و میلیونی بیکاران را نیز باید افزود تا تصویر روشن تری از دیدگاه ها و عملکرد سیاست های جمهوری اسلامی در زمینه تحقق عدالت اجتماعی در دهه اخیر بدست آورد)، معضلاتی نیستند که با اعطای اعتبار به سازمان های مافیایی همچون «کمیته امداد امام» آنها را بتوان حل کرد. مادر گذشته نیز گفته بودیم که سمت گیری اقتصادی کشور، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با سمت گیری سیاسی کشور دارد. حاکمیت سیاسی ایران، نماینده منافع کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بورکراتیک (دیوان سالارانه) نوین ایران، است و از این مجموعه نمی توان انتظار داشت تا سیاست هایی را تنظیم کند که منافع دراز مدت میهن ما و زحمتکشانش را در نظر بگیرد.

حزب توده ایران سیاست ها و سمت گیری های اقتصادی دولت خاتمی را ادامه همان سیاست های مخرب و ضد مردمی گذشته می داند، که اتفاقاً از سوی همان سیاست گزاران دولت رفسنجانی، کسانی چون نوربخش ها، تهیه و تنظیم می گردند. سخنان عسگر اولادی در تعریف و تمجید از لایحه بودجه سال ۷۸، همچنین نشانگر این واقعیت است که در زمینه سیاست های اقتصادی، جناح های گوناگون رژیم، در عمده ترین خطوط، با هم در توافق کامل قرار دارند.

لایحه بودجه سال ۷۸، نه تنها نخواهد توانست معضلات و مشکلات عظیم اقتصادی کشور را حل کند، بلکه بر اساس تجربیات گذشته بر این معضلات و مشکلات نیز خواهد افزود. افزایش قیمت بنزین در حد لیتری ۷۵ تومان، در کنار افزایش مالیات های مستقیم، و عدم وجود یک سیاست روشن برای ایجاد اشتغال و راه اندازی صنایع تولیدی کشور، بی شک اقتصاد کشور را بیش از پیش به سمت بحران سوق خواهد داد و فشار بر زحمتکشانش را تشدید خواهد کرد. هیچ نیروی مترقی و ملی ثی نمی تواند مدافع سیاست های اقتصادی پیشهادی رژیم «ولایت فقیه» باشد. تنها راه نجات ایران از وضعیت بحرانی کنونی که همه عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن ما را فرا گرفته است، تشدید مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و حکومت مردمی در ایران است.

ادامه واژه نامه ...

می دهد. اکنون دیگر بدون تحصیل آزادی اجتماعی، پیشرفت بعدی بشریت به سوی کمال آزادی، سخت دشوار می نماید. در عین حال کل تاریخ پویای بشر، خود زمینه ضروری جهت تحقق این امر، یعنی تحصیل آزادی اجتماعی، را فراهم کرده است.

آزادی واقعی و همه جانبه انسان، که شرط ضروری شکوفایی تمام استعداد های نهایی اوست، در این جهان واقعی ممکن است. آزادی از استعمار و استثمار زدگی، به معنای وسیع کلمه، وظیفه اصلی و اساسی آزادی خواهان است. در جوامع کشورهای وابسته و مستعمره، توده های مردم در عین حال در معرض دو ستم طبقاتی همگون یعنی ستم ملی (از جانب کشورهای امپریالیستی) و ستم اجتماعی (استثمارگران خودی) قرار می گیرند، و برای تحصیل آزادی ناگزیرند با هر دو ستم به مبارزه برخیزند.

شکل عالی دموکراسی، یعنی شکل واقعی آن، دموکراسی سوسیالیستی است، زیرا که به سود اکثریت عظیم زحمتکش و حافظ منافع آنان است، و شالوده اقتصادی آن، مالکیت جمعی بر وسایل تولید است. تنها در جامعه سوسیالیستی است که حق مساوی همه افراد می تواند تأمین شود. تا در جامعه استثمار هست، تا وسایل تولید در دست طبقات بهره کش است، نوع دموکراسی نمی تواند واقعی و اصیل باشد.

در سوسیالیسم تساوی واقعی افراد صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب و ملیت، در همه امور، در کلیه شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و حق مساوی برای شرکت در رهبری اجتماع و دولت، رفته رفته هر چه بیشتر تأمین می شود. اکنون بشریت در سیر تکاملی خود به جایی رسیده است که «جهش از جهان ضرورت به جهان آزادی» برایش امکان پذیر است.

بحران اوپک!

کنونی، از وخیم تر شدن بیشتر اوضاع در هراس هستیم. من امیدوار بودم که از اجلاس وین با موافقت نامه های مؤثر تر و مثبت تری برای بهبود کاهش قیمت نفت بیرون بیاییم.» امارات متحده عربی، ایران و ونزوئلا را فراخواند تا از سقف های تعیین شده و کاهش تولید نفت موافقت شده، تبعیت کنند.

وزیر منابع نفتی و معدنی امارات متحده عربی گفت: «بدون همکاری بین کشورهای عضو، هیچ موافقت نامه ئی به وجود نخواهد آمد و این هرگونه بهبودی در قیمت نفت را منتفی می سازد.» او مدعی شد که ایران و ونزوئلا از عملی کردن تعهدات خود در اجلاس قبلی اوپک، در اوایل امسال، که به منظور بهبود قیمت نفت پذیرفته بودند، سرباز زده اند.

اجلاس وزیران نفت کشورهای عضو سازمان تولید کنندگان نفت، اوپک، که در روزهای ۵ تا ۷ آذرماه در وین تشکیل شده بود، قادر به تصمیم گیری پیرامون سیاست های مشخص برای بهبود قیمت نفت نشد. وزیر نفت کویت در روز ۸ آذرماه گفت که، تنها راه جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت نفت، کاهش تولید نفت به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز است. شیخ ناصر الصباح در بازگشت از وین گفت: «من متأسفم که قیمت نفت در ماه های آتی بدتر خواهد شد... بر پایه عرضه و تقاضای



از رویدادهای جهان

نظامیان و بحران سیاسی در ترکیه

دولت مسعود یلماز پس از ۱۷ ماه، در روز ۴ آذرماه، برای عدم اعتماد مجلس این کشور سقوط کرد. از ۵۵۰ نفر نماینده مجلس، ۲۷۶ نماینده در حمایت از قطعنامه اپوزیسیون که یلماز را به فساد و ارتشاء در جریان سپردن یک بانک به بخش خصوصی متهم کرده بود، رای دادند. مسعود یلماز استعفاي خود را به سلیمان دمیرل، رئیس جمهوری ترکیه تسلیم کرد.

مشکل در حال حاضر این است که بر طبق روال متداول، رئیس جمهوری از رهبر بزرگ ترین حزب در مجلس، یعنی حزب اسلامی فضیلت، برای تشکیل دولت باید دعوت کند. اما با در نظر گرفتن اینکه ارتش ترکیه مخالف به قدرت رسیدن نیروهای اسلامی است، تنها راه باقی مانده تشکیل دولت اقلیت توسط خانم تانسو چیلر، نخست وزیر اسبق، است.

مقامات ارتش، در ۹ آذرماه، به سیاستمداران ترکیه اخطار کردند که در مذاکرات برای تشکیل دولت، از خود «ملاحظه و حساسیت لازم را نشان بدهند.» در بیانیه ستاد ارتش اخطار شده است که «از اظهارات و بیانیه هایی که ممکن است نیروهای نظامی را به سیاست بکشاند خودداری شود.» رکابی کوتان، رهبر حزب اسلامی فضیلت، در اوایل آذرماه، اعلام کرده بود که «نشانه هایی وجود دارد که ارتش سیاست های حزب ما را قبول دارد.»

در بیانیه ارتش آمده است که سیاستمداران می باید از پیش بینی اینکه چه حزب و یا ائتلافی بیشتر مورد نظر ارتش است، خودداری کنند. ستاد ارتش که برای خود نقش «نگهبان» قانون اساسی را قایل است، به طور غیر مستقیم اشاره کرده است که نظامیان هیچ گونه مشارکتی را از سوی سیاستمداران اسلام گرا در دولت آینده، قبول نخواهند کرد.

«نیروهای مسلح ترکیه با عملکرد و برداشت پی گیر خود نشان داده اند که برای همه نظرات معاصر که با اصول و اصلاحات آتاتورک همخوانی دارند، و در جهت اصول پایه ای قانون اساسی اند، ارزش قائل اند.» آتاتورک مدافع یک حکومت لائیک (جدا از دین) بود.

«اتحاد» انحصارات نفتی

ایجاد شده بودند. این دو شرکت روی هم ۲۲ درصد از بازار ایالات متحده را در دست دارند و اکثر نفت جهان را تصفیه می کنند.

اکسون، موبیل را به قیمت ۶۰ میلیارد دلار خرید. این بزرگ ترین ادغام صنعتی در جهان بوده است، و عملاً به معنی حضور تنها سه بازیگر عمده بین المللی در صنعت نفت است. شرکت جدید که از ادغام موبیل و اکسون ایجاد شده، بزرگ ترین شرکت صنعتی ایالات متحده و بزرگ ترین شرکت نفتی جهان است. این شرکت ۲۰/۷ میلیارد بشکه منابع نفت و گاز را در اختیار دارد، ۱/۶ میلیون بشکه نفت و گاز در روز تولید می کند و ظرفیت پالایش ۶/۷ میلیون بشکه نفت در روز را دارد. این قرارداد منجر به بیکار شدن ۱۲۰۰۰ کارمند و کارگر و صرفه جویی ۲ میلیارد پوند خواهد شد.

همزمان با سقوط قیمت نفت در بازارهای جهان به پائین ترین حد خود در ۲۵ سال اخیر، شرکت های عمده نفتی جهان در دو قرارداد، در روز ۱۰ آذرماه، تشکیل انحصارات باز هم غول پیکر تری را پایه ریزی کردند.

در اولین ادغام، شرکت نفتی فرانسوی توتال با شرکت پتروفینای بلژیک یکی شدند، و ششمین انحصار نفتی جهان را به وجود آوردند. توتال اعلام کرده است که پیوستن دو شرکت به معنی صرفه جویی عمده در مخارج اکتشاف و تولید نفت است. همزمان با پیوند فوق، موبیل دومین شرکت نفت آمریکا، ادغام خود را در شرکت اکسون که بزرگ ترین شرکت نفتی آمریکا است، اعلام کرد. ارزش این قرارداد ۱۴۴ میلیارد پوند اعلام شده است. این دو شرکت در سال ۱۹۱۱ با حکم دادگاه عالی ایالات متحده از تقسیم شرکت نفتی استاندارد، متعلق به جان راکفلر،

گرسنگی در آسیا

سازمان ملل، در ۵ آذرماه، اعلام کرد تعداد کسانی که دچار گرسنگی شدید اند در جهان در حال افزایش است، و بحران مالی در آسیای جنوب شرقی، کوشش هایی را که به منظور بر طرف کردن این مصیبت انجام شده عقیم کرده است. سازمان غذا و کشاورزی گفت که تعداد کسانی که شدیداً دچار سوء تغذیه اند در کشورهای در حال توسعه، از رقم ۸۲۲ میلیون در اوایل دهه ۹۰، به ۸۲۸ میلیون در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. این گزارش اظهار می دارد: «گرایش های اخیر هیچ جایی برای خوش باوری نمی گذارد، چرا که پیشرفت در برخی مناطق با وخیم تر شدن وضعیت در جاهای دیگر، جبران شده است.»

سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل، در سال ۱۹۹۶، گردهمآنی را تشکیل داد که هدف از آن کاهش تعداد گرسنگان جهان به نصف تا سال ۲۰۱۵ میلادی است.

ژاک دیوف، مدیر عامل سازمان غذا و کشاورزی جهان، به روسیه و آمریکای لاتین همچون قربانیان جدی بحران سرمایه داری اشاره کرد، بحرانی که اثرات آن شامل حال همه اقتصادهای جهان شده است و تلاش برای تامین غذای کافی برای مردم را عقیم کرده است. گزارش سازمان ملل اعلام داشت که بیشترین مبتلایان به سوء تغذیه آسیایی ها هستند: ۲۵۸ میلیون در شرق و جنوب شرقی آسیا و ۲۵۴ میلیون نفر در جنوب آسیا. این هم از ثمرات معجزه بیره های اقتصادی آسیا.

آلترناتیو جدید!

به گزارش حزب کمونیست عراق، در روز ۹ آذرماه، یک افسر عالی رتبه ارتش عراق به دلیل همکاری با اپوزیسیون، توسط رژیم اعدام شده است. اطلاعیه حزب برادر عنوان می دارد ژنرال سامی که مسئولیت تشریفات کاخ ریاست جمهوری را عهده دار بود، در روز ۲۸ آبان ماه اعدام شده است. منابع حزب کمونیست عراق در داخل کشور اطلاع دادند که پسر ژنرال سامی، سرگرد رائد، از خدمت ارتش برکنار شده و مایملک شخصی او مصادره گردیده است. اعدام اخیر، به دنبال خبر کوشش ناموفق برای کشتن عزت ابراهیم، معاون صدام حسین، در کربلا در هفته اول آذرماه، صورت می گیرد. به گزارش مطبوعات عراق دو نارنجک به طرف عزت ابراهیم که سمت معاونت صدام را هم در ارتش و هم در حزب بعث به عهده دارد، پرتاب شده بود اما او از حادثه جان سالم بدر برد. چندین نظامی و غیر نظامی در این حادثه زخمی شدند. در آبان ماه ایالات متحده و بریتانیا سیاست همکاری فعال تر با بخش هایی از اپوزیسیون و نیروهای مخالف رژیم صدام را به منظور سرنگونی رژیم بغداد آغاز کردند.

کشورهای امپریالیستی که درصددند هرگونه تغییری در عراق تحت کنترل و برپایه منافع غارتگرانه آنان باشد، حزب کمونیست عراق که یکی از عمده ترین نیروهای اپوزیسیون محسوب می شود، حاضر به شرکت در مذاکرات اخیر نشد.

کنگره سوم حزب مردم فلسطین:

تشدید مبارزه برای استقلال ملی و جامعه ئی دموکراتیک

در ارتباط با دولت خودمختار فلسطین، کنگره تصریح کرد که حزب مردم فلسطین، در حال حاضر، هیچ عضوی در دستگاه اجرایی ندارد. در اظهاراتی که نشانه انتقاد حزب از روند تاکنون انجام شده است، سخنگویان حزب خاطر نشان کردند که عدم شرکت عملی حزب در مرحله قبلی نه در جهت دستیابی به هدف ایجاد اتحاد وسیع ملی برای مقابله با اقدامات اسرائیل و نه در جهت کمک به توسعه یک سیستم دموکراتیک، بوده است. کنگره دلیل این امر را برخورد های فردگرایانه و برتری طلبانه، و نبود یک برنامه عمل مبتنی بر نهادها، و نیز تداخل قوای سه گانه و تضعیف شورای قانون گذاری دانست.

کنگره ضمن تأکید بر اهمیت دولت خودمختار فلسطین در زندگی مردم، به عنوان اولین قدم به سوی دولت مستقل، انتقادات خود را از ترکیب دولت و عملکرد و برخوردها و تحولات جاری آن، ابراز کرد. کنگره خواستار تغییر ترکیب دولت برپایه وسیع ترین مشارکت ملی شد.

در ارتباط با هویت حزب، کنگره تغییراتی را در تعریف حزب به تصویب رساند، که برپایه آن، هویت اجتماعی و ایدئولوژیک حزب «حزبی سوسیالیستی که در صفوف خود زنان و مردان فلسطینی را در بر می گیرد و در طلب آزادی، استقلال ملی، دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم» است. کنگره تصمیمات مهمی را پیرامون دموکراسی درون حزبی اتخاذ کرد. بر اساس بندی جدید از اساسنامه، تمامی دبیران کمیته های منطقه ای، که در مناطق خود انتخاب می شوند، به عضویت کمیته مرکزی در می آیند. کنگره همچنین با تعیین سهمیه ئی ۲۰ درصدی در ترکیب کمیته مرکزی برای رفقای زن، به ایجاد مکانیزمی برای گسترش حضور زنان در حزب و در فعالیت های سیاسی تلاش کرد. کنگره تصمیم گرفت «هیات دبیران سه نفره» را جانشین نقش دبیر کل سازد. قرار بر این شد که نمایندگان حزب در هیات اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و شورای دولت خودمختار فلسطین به طور همزمان در ترکیب هیات دبیران سه نفره نمی توانند عضویت داشته باشند. این تصمیم به لحاظ تأکید بر لزوم استقلال عمل سیاسی حزب در ارتباط با اتحاد های وسیع و نقش آن در دولت، حائز اهمیت است. کنگره در ادامه کار خود کمیته مرکزی ئی متشکل از ۴۱ نفر و کمیته نظارتی مرکب از ۱۱ رفیق حزبی را انتخاب کرد.

کنگره، فراخوانی را در پایان کار خطاب به همه اعضاء و دوستان حزب و همه آنانی که در فعالیت های حزب در مراحل مختلف همراه بوده اند، صادر کرد و از آنان دعوت کرد تا برای ادامه مبارزه در جهت استقلال ملی و دموکراسی، در صفوف حزب در کنار رفقای خود متحد شوند. حزب، همه آنانی را که به نهضت استقلال ملی و دموکراسی وفادار اند فراخواند تا در صفوف آن گرد هم آیند و با نیروی خود گرایش ملی دموکراتیک در صحنه سیاسی فلسطین را تقویت کنند و نقش موثر گروه های جوانان، زنان، روشنفکران و طبقه کارگر و توده های کارگر و دهقان را احیاء کنند.

حزب در این فراخوان اعلام کرد که درهای آن بر روی همه کسانی که برضد اشغال و برای دفاع از نهضت دموکراتیک مبارزه کرده اند، گشوده است. «حزب سوگند می خورد که پرچم مبارزه ملی، اجتماعی و دموکراتیک را برافراشته نگه داشته و برای ایجاد کشوری مستقل و دموکراتیک» برزمد. کمیته مرکزی منتخب کنگره، در اولین نشست خود «هیات دبیران سه نفره، هیات سیاسی ۱۱ نفره (شامل هیات دبیران سه نفره) و نیز رفیق خلیل توما، صدر حزب، را انتخاب کرد.

کنگره سوم حزب مردم فلسطین، در مهرماه امسال، در شهر البیره، در کرانه غربی رود اردن، برگزار شد. این اجلاس، هم به دلیل تصمیمات مهمی که باید می گرفت و هم بدان جهت که برای اولین بار به طور علنی و در خاک فلسطین برگزار شد، اهمیت خاصی پیدا کرده بود. ۴۸۶ نماینده از طرف ۱۵۵ سازمان پایه حزب، در کنار نمایندگان بخش های کارگری، جوانان، زنان و روشنفکران، در کنگره حضور یافتند. در جلسه گشایش کنگره، نمایندگان تمامی نهادهای دموکراتیک، مردمی و ترقی خواه فلسطین، از جمله نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین، نماینده ویژه یاسر عرفات، وزرای دولت خودمختار فلسطینی، اعضای شورای قانون گذاری فلسطین، هیات های نمایندگی جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حضور داشتند. هیات های نمایندگی ده حزب کمونیست جهان و از جمله حزب کمونیست اسرائیل، در کنگره شرکت کردند. در پاسخ به دعوت رهبر حزب مردم فلسطین، از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی خطاب به شرکت کنندگان کنگره ارسال گردید.

کنگره که در شرایط حاد بحران روند صلح خاورمیانه انجام می گرفت، بی تاثیر از آنچه که زندگی روزمره مردم را شکل می دهد نبود. تضيیقات مقامات اسرائیلی و بستن مرزها به این معنی بود که که نمایندگان حزبی از نوار غزه نتوانستند به محل کنگره برسند. به تصمیم کمیته برگزار کننده کنگره، اجلاس ویژه ئی با دستور کار کنگره اصلی در نوار غزه منعقد گردید. پیشنهادات و طرح های این اجلاس در اسناد مصوبه کنگره تجلی و تبلور یافت. نمایندگان سازمان های حزبی در خارج از خاک فلسطین نیز به دلیل کارشکنی مقامات اسرائیلی، قادر به شرکت در کنگره نشدند. در بحث های کنگره، این امر مورد تأکید قرار گرفت که مرحله اخیر جنبش مردم فلسطین هنوز مرحله آزادیبخش ملی است و بنابراین وظیفه عمده آزاد سازی نواحی اشغالی است: «مورد مهم و جدید در مبارزه به هم آمیختن وظایف ملی و اجتماعی است.» این امر به معنی «لزوم در نظر گرفتن مبارزه برای جامعه ئی دموکراتیک همچون بخشی از مبارزه برای استقلال ملی است.» کنگره لزوم توجه به نقش لایه های بورژوازی بوروکراتیک (سرمایه داری دیوان سالار) و دلال برآینده مبارزه ملی و هدف استقلال ملی، و ضروری بودن نظارت بر فعالیت این لایه ها، را مورد تأکید قرار داد. کنگره اهمیت برقراری یک اتحاد وسیع ملی از همه نیروهای وفادار به استقلال ملی با هدف مقابله با بن بست کنونی، که از یک سو با ادامه اشغال صهیونیستی و از سوی دیگر با گرایش به مصالحه تظاهر می یابد، مورد تأکید قرار داد. مضمون محوری تمامی بحث های کنگره، ارتباط بین مبارزه آزادی بخش ملی و مبارزه در جهت یک جامعه دموکراتیک بود.

در بحث های کنگره خطرات مرحله کنونی مذاکرات صلح مورد توجه قرار گرفت، و تأکید شد که ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی قابل مذاکره نیست. مصوبات کنگره حل عادلانه مساله فلسطین را تضمین حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشوری مستقل و دموکراتیک با حق حاکمیت تمامی اراضی فلسطینی که از سال ۱۹۴۷ به بعد اشغال شده ب، پایتختی بیت المقدس، دانست.

کنگره همچنین خواهان اجرای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و مشروط ساختن ادامه مذاکرات به توقف ایجاد شهرک های یهودی نشین در اراضی اشغالی، تصاحب اراضی و یهودی کردن بیت المقدس، گردید. نمایندگان کنگره حمایت خود را از تقویت نقش سازمان آزادیبخش فلسطین و نهادهای آن اعلام کردند. کنگره تأکید کرد که حزب در تلاش برای ایجاد اتحاد دموکراتیک ملی به منظور مواجهه با وضعیت نوبنی است که پس از مرحله کنونی روند صلح در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸، پیش خواهد آمد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:546

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

8 December 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۴۹ - ۳۰ - ۳۳۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک